

# پاک یزدانا اگرچه دیوانه و بی لانه و آشیانه گشتم

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



پاک یزدانا اگرچه دیوانه و بی لانه و آشیانه گشتم ... حضرت عبدالبهاء ، محاضرات جلد ۱

صفحه ۴۴

## هو الاهی

پاک یزدانا اگرچه دیوانه و بی لانه و آشیانه گشتم ولی سر گشته کوی توام و شیفته روی تو مجنون و مفتون انجالم و محزون و دلخون از فراقم این مجنون شیدای ینوا سلاسل و زنجیری جز آن زلف مشکین نجوید و این مفتون بیسر و سامان عقل و نهائی بغیر فیوضات عشق نخواهد این جنون اگر چه جامع جمیع فنون و پر سکونست لکن چون وقت مقتضی نه بفضل و عنایت قونش را خفتی بخش که آن زنجیر مبارک را نگسلد و آن سلسله پیچ اندر پیچ را بکلی قطع ننماید نه عقل و فرهنگ زیاد مانع از نشر نفعات مقبول و نه جنون پرفنون زنجیر شکن محبوب خدایا اعتدالی بخش و توسطی عنایت فرما در ایام مبارک شخصی بود مفتون محبت الله امر فرمودند که این ابیات را دائما قرائت و بلحن و خوش تلاوت نماید

ای	عشق	منم	از	تو	سرگشته	و	سودایی
در	نامه	مجنونان	از	و	اندر همه	عالم	مشهور
ای	باده	فروش	من	از	پیش نام	من	بشیدائی
گر	زندگیم	خواهی	ای	از	خروش من	من	نایم
والیه	علیک	و	علی	من	مردده	صد	سالی
شاهزاده	ذخیره	در	قزوین	من	مفتون	معتدل	کریم
کار				تاب	نیاورده	بطهران	

رفت و همانطور بتبلیغ مشغول گردید تا عاقبت خود داری نتوانست شعله محبت جانان سرپایش را سوخته و بی اختیار خود را مسموم ساخت و بجوار رحمت پروردگار پیوست. این بود خلاصه آنچه که در همدان از جناب آقا میرزا طراز الله شنیدم و ایشان خود آن دوره را بیاد دارند.



ORIGINAL